

۳۷ کودک و نوجوان از سراسر کشور در «شب تجربه‌های خلاق نوشتن» انشا خواندند

شب نویسندگان آینده

«فروغ فکری» چند ساعت قبل از شروع رسمی مراسم، بچه‌ها پشت میکروفن

حاضر شده و داستان‌هایشان را خوانده‌اند. چند باری برای تمرین پشت دو میکروفن که برای قدهای مختلف گذاشته شده‌اند و سال‌ها خالی اندیشمندان علوم انسانی شاهد صدای بچه‌هایی از شهرهای مختلف بوده که داستان‌هایشان برای «شب تجربه‌های خلاق نوشتن» انتخاب شده‌است. آنها حالا کنار پدر و مادرهایشان نشستند و منتظرند تا نام‌شان را علی اکبر زین العابدین، نویسنده و برگزارکننده این شب، بخواند و روی سین بیایند. داستان‌شان را بخوانند و بعد منتظر بمانند تا فریدون عموزاده خلیلی، مرگن کلهر و رودابه کمالی که هر سه نویسنده حوزه کودک و نوجوان هستند، درباره داستان‌هایشان نظر دهند. زین العابدین می‌گوید چند وقت قبل «شب انشا» با حضور فرهنگستان زبان و شب بخارا برگزار شد و همانجا علی دهباشی، مدیر مجله بخارا از او خواست تا شبی برگزار شود که بچه‌ها در آن انشا بخوانند. فراخوانی داده شد اما از دبیران، معلمان و تسهیل‌گرانی که می‌شناختند خواستند تا انشای شاگردان‌شان را بیاورند و به هر شهری که رفتند هم باز همین درخواست از معلمان شد و حالا طی سه ماه انشاهای مختلف به دست‌شان رسیده‌است. «۱۴۰ اثر آموذ از میان این تعداد ۳۷ اثر برای خواندن در این شب انتخاب شده که تعدادی از آنها هم ویدیوی ارسال از شهرستان‌هاست ۲۵ درصد آثار انتخاب شده از شهرهای دیگر غیر از تهران بود. بچه‌ها حالا از قائم‌شهر و چابهار و سنندج آمده‌اند. تهرانی‌ها هم در سالن نشستند و آن طور که زین العابدین می‌گوید همه آنها که دعوت شدند به این مراسم آمده‌اند. خلاف مراسم دیگر که همیشه تعدادی غایب دارد، اینجا وضع متفاوت است. بچه‌های هشت، نه ساله تا آنهایی که دانش آموز کلاس دوازدهمند برای رفتن روی سین لحظه‌شماری می‌کنند. تمرین‌های قبلی باعث شده برای خواندن استرسی نداشته باشند نه صدایی بلرزند و نه پایایی جلو و عقب برود. آنها مصمم‌اند. پسران و دخترانی که علی دهباشی درباره‌شان می‌گوید: «اینها نویسندگان و شاعران آینده‌اند.»

راز قصه کتاب‌های خانه‌مان را می‌گویم

«بعضی از کتاب‌ها قصه دارند. بعضی از کتاب‌ها زیباست اما بعضی کتاب‌ها خودشان هم قصه دارند. تا قبل از سال ۹۳ همه کتاب‌های کتابخانه روستای زمین در خانه ما بود. تا اینجا قصه را همه می‌دانید اما تعدادی از کتاب‌های مانده در خانه کنجاوم کرد چون بابا این کتاب‌ها را به کتابخانه برده بود. هر وقت برنامه‌ای بود کتاب‌ها را به کتابخانه می‌آورد. اگر امانت می‌داد هم خیلی سفارش می‌کرد که بچه‌ها مراقب باشند. هر وقت از بابا می‌پریدم می‌گفت که «روزی کشف می‌کنی». چند وقت پیش رفتم سراغ کتاب‌هایش. در میان کتاب‌ها، کتابی از آقای حسن زاده بود. کتاب به دو برادر نیم و نعیم تقدیم شده بود. به آن دو حسودمید شد. چرامن در این کتاب سهمی نداشتیم؟ در حالی که بیشتر کتاب‌ها نوشته بودیم، در بیشتر کتاب‌های کتاب‌خوانی شرکت می‌کنم و مهم‌تر از آن نویسنده مرا می‌شناسد من نویسنده را کمی از آقایان دلدخورم. کمی که گذشت این دلخوری رفع شد. تازه فهمیدم چرناام مرام از قلم انداخته‌است. نویسنده کتاب رادر بهمن ۱۳۸۰ به برادرانم تقدیم کرده بود. در حالی که من ۲۱ ماه بعد از آن تاریخ به دنیا آمده بودم؛ ۱۳۸۲ من راز بزرگ بابا را از نگهداری این کتاب‌ها فهمیدم. همه این کتاب‌ها با امضای نویسندگان به خانواده‌ام تقدیم شده بود. پروانه داستان‌شان را پشت تریبون می‌خواند. شال بلوچی سرخابی‌اش را جابه‌جا می‌کند و به پدرش رو می‌کند؛ به عبدالحکیم چهار که در سال‌های گذشته باعث شده روستای زمین در چابهار، به عنوان روستای دوستدار کتاب شناخته شود. پروانه هم از همان بچگی با کتاب اخت شده و فرهاد حسن زاده و جمال‌الدین اکرمی حالا جزو نویسندگان مورد علاقه‌اش هستند: «کتابخانه ما در کانکس است و فضا کم است اما عضو زیاد داریم و همین کمبود فضا مشکل ایجاد کرده‌است.»

عبدالحکیم که حالا او را به واسطه روستای زمین و چابهار می‌شناسند، می‌گوید در چابهار برنامه‌ای دارند به نام باشگاه‌های دستپاکی که در آن علاوه بر خواندن کتاب، بچه‌ها



برای نویسندگان کتاب‌ها نامه می‌نویسند و نامه را برای نویسنده ارسال می‌کنند. اشتیاق بچه‌ها هم دلیلی بوده بر اینکه آنها بعد از مدتی تصمیم بگیرند با مدرسه‌ها هم ارتباط بگیرند و مدرسه هم زمانی را در اختیارشان بگذارد؛ زمانی که در آن کتاب بخوانند. کتاب معرفی و نقد کنند و بعد بچه‌ها خودشان گزارش کار جلسه را می‌نویسند. جلساتی که به پروانه و دوستانش کمک کرده. کسانی که نوشتن را دوست دارند اما کلاسی برای انشان ندارند و پروانه این جلسات کتاب را دوست دارد؛ «ما کلاس انشان داریم و این است که بچه‌ها خیلی به نوشتن علاقه دارند. مطلب می‌نویسند و نوشته‌هایشان کتابچه درست می‌کنند.»

کشف جزئیات، راه نوشتن خلاق

«روزی پسری به نام هانی ماشین زمان را اختراع کرده بود. او یک کلاه مخصوص برای خود ساخته بود که اگر سرعت ماشین زمان زیاد بود از سرش محافظت کند تا به جایی نخورد که سر عضو حساس و مهم بدن است. وقتی هانی به مقصد رسید دید در زمان داینا سوراها است. متوجه شد قطعه‌ای از ماشینش را جابه‌جا گذاشته و به جای آنکه به آینده سفر کند به گذشته سفر کرده است. حاضری می‌دیدند و هانی که کلاس سوم دبستان است و از قائم‌شهر آمده با اعتماد به نفس به خواندنش ادامه می‌دهد؛ «او ماشینش را درست کرد و از زمان گذشته به آینده رفت. او به جای آنکه پسر بچه باشد پدر بزرگ بود. به خانه ویلایی‌اش رسید. چون مسیر طولانی‌ای آمده بود خیلی تشنه‌اش شده بود. شیر آب را باز کرد و دید آب قطع است و از چند نفر خواست بیایند ببینند لوله‌های آب مشکلی دارند یا نه. یکی از آنها گفت در این منطقه آبی وجود ندارد. هانی به یاد بچگی‌هایش افتاد که همیشه موقع حمام کردن و مسواک زدن و... شیر آب را باز می‌گذاشت. او از کاری که کرده بود، پشیمان شد و با نااحتی قطعه ماشینش را جابه‌جا کرد و به زمان خودش برگشت. هانی به خودش قول داد دیگر آب راه نراند. داستانش که تمام می‌شود. کمالی می‌گوید کارش جذاب بوده چرا که باشوخی وارد موضوعی جدی شده و چهره‌هایی از هم می‌شکند. او از پله‌ها پایین می‌رود تا فاطمه، دانش‌آموز کلاس هشتم بالا بیاید و بعد از او نوبت باشد. پسر یازده ساله‌ای است که با مادرش از کرج آمده. کلاه آفتابی قرمزش را کج گذاشته و به سختی از زیر بلندگوی کوتاه روی سین ردمی‌شود. اسم داستانش «اکرم مرده» است. عینک‌ش را بالای زنبو با جدیت داستان نیمه‌کمدمی‌اش را می‌خواند. حاضری به داستان زندگی کرمی که قرار است طعمه ماهی باشد، می‌خندند و ما مدتی می‌گوییم این داستان رویای پندی دارد. او دو سال قبل نوشتن را شروع کرده و حالا فرهاد حسن زاده و ولدال نویسندگان مورد علاقه‌اش هستند. □

رو آوردن به انشا
برای نوشتن در شبکه‌های اجتماعی



علی اکبر زین العابدین

نویسنده حوزه کودک و نوجوان

فرهنگستان زبان اخیراً تحقیقی انجام داده است که براساس آن بچه‌های ایران در دهه ۹۰ در مهارت خواندن و نوشتن در کل کشور میانگین ۱۳ درصد داشته‌اند، یعنی حدود ۱۳ درصد بچه‌ها توانایی خواندن و نوشتن‌شان در حد متوسط است. این آمار طی مقاله‌هایی در سال‌های ۹۶ و ۹۷ منتشر شده که بسیار تکان دهنده است. همچنین در این مقاله‌ها مهارت‌های شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن را ارزیابی کرده و متوجه شده‌اند که بهترین مهارت بچه‌ها در املا با متوسط ۲۹ درصد است و در سایر مهارت‌ها متوسط توانایی‌شان زیر ۲۰ درصد است. این آمارها دلیلی است که حساس شویم و من به شخصه بخوام کلاس‌هایی برای روسای گروه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی در فرهنگستان و این وسیله تلاش کنیم آموزش از بالا به پایین بیاید.

نکته مهم که باید به آن توجه کنیم این است که معلمان انشا در این زمینه خیلی موثرند. در حال حاضر، در دوره‌ای هستیم که برای همه پایه‌ها کتاب نگارش تدوین شده است. سال گذشته هم برای کلاس دوازدهم این کتاب تدوین شد، اما مشکل اینجا است که آموزش برای معلم انجام نمی‌گیرد. کتابی برای معلمان وجود ندارد که به آن‌ها بگویم بروند مطالعه کنند و به همین دلیل نظرم آن این است که معلم انشا را از میان معلمان ادبیات انتخاب نکنند. نگارش تخصص دیگری است که فرد با خواندن هر رشته تحصیلی می‌تواند نویسنده‌ای تدریس کند؛ چرا که ادبیات علم است، نه هنر و این در حالی است که معلمان انشا اغلب از میان این افراد استخدام می‌شوند. همین هم دلیلی است که خلاقیت جایگاهی ندارد و آموزش هم به درستی انجام نمی‌شود. این در حالی است که تجربه به ما ثابت کرده است در کوتاه‌ترین دوره کودک و نوجوان می‌تواند تغییر کند و این تغییرات در صورت آموزش‌های تخصصی و متدیک خیلی سریع بروز می‌کند. رشد دادن بچه‌ها در نوشتن خلاق، کار عجیبی نیست و اگر معلمان تکنیک را بدانند به راحتی می‌توانند این کار را انجام دهند. بچه‌هایی که امروز انشا خواندند، حتماً معلمان خوبی دارند و این کار اصلاً سخت نیست. نوشتن باید با مهارت خواندن تلفیق شود و هر کس نوشتن را بدون خواندن کار کند، نمی‌تواند راهبردی باشد. در یک کلاس نمی‌توان فقط نوشت؛ خواندن کتاب غیر درسی تقویت‌کننده ماجراست. آموزش و پرورش کلاس‌های ضمن خدمت را حذف کرده است و ما مجبوریم کلاس‌های ضمن خدمت خصوصی برگزار کنیم. فرهنگستان هم متوجه این موضوع شده و آنها به صورت خودجوش مشغول برگزاری این کلاس‌ها هستند. همه می‌دانیم انشا همیشه درسی مهجور بوده است و مورد علاقه خیلی از بچه‌ها نیست، اما در سال‌های اخیر تعدادی از نوجوانان برای آنکه بتوانند در شبکه‌های اجتماعی‌شان بنویسند و آن را رونق دهند، به انشا رو آورده‌اند و این هم پدیده‌ای عجیب و جالب در نوع خود است. □

هیچ وقت برای کتاب‌خوانی بچه‌ها دیر نیست

«مرگن کلهر، نویسنده و منتقد کتاب‌های کودک و نوجوان» هیچ وقت برای افتادن بچه‌ها در وادی

کتاب‌خوانی دیر نیست، ممکن است بچه‌ای داشته باشیم که کتاب خوان نباشد و با معرفی کتابی خاص او را به سمت ادبیات بیاوریم. مسأله، آشنا کردن بچه‌ها با ادبیات است. خیلی وقت‌ها ممکن است کتابی که به بچه‌ای می‌دهیم دوست نداشته باشد. هر روز از خودم می‌پرسم چطور باید بچه‌ها را به این وادی کشانم؟ برای پاسخ دادن به این پرسش هم باید هر روز راهی جدید ساخت.

نوشتن مهم است، اما اگر نوشتن را هم مهم ندانیم باید بدانیم ادبیات خیلی مهم است. ادبیات باعث می‌شود بچه‌ها دریغ معضلات دیگر نزنند و چون با ادبیات آشنا هستند سمت و سوی زندگی‌شان تغییر کند. این تغییر قبل از هر چیز از مدرسه یا معلمی که با بچه‌ها سروکار دارد، شروع می‌شود. بچه‌ها به خودم امکان است احساس نیاز به نوشتن نکنند. سوزهای خلاقانه، کتاب‌های جذاب و بحث‌هایی که معلم در کلاس مطرح می‌کند می‌تواند در فعالیت‌های بچه‌ها موثر باشد و آنها را به سمت و سوی کتاب‌خوانی و نوشتن ببرد. ما باید برای آنکه بچه‌ها ایمان به این وادی وارد شوند، تلاش کنیم، آموزش دهیم و سعی کنیم راه درست را انتخاب کنند. بچه‌هایی که حالا شاهد انشاخوانی آنها هستیم، کسانی‌اند که حتماً معلمان خلاق داشته‌اند؛ مردان و زنانی که به بچه‌ها انگیزه داده‌اند و حالا این بچه‌ها برپای انشای می‌خوانند و با وجود سن کم‌شان دوست دارند ادبیات در زندگی‌شان جاری باشد. □

بچه‌ها، سخنگویان جدید فضای اجتماعی

«رودابه کمالی نویسنده کودک و نوجوان و معلم انشا و نگارش» اتفاقی که امروز افتاد خیلی خوب و

مبارک بود. از مناطق مختلف صداهای گوناگون شنیدیم. دغدغه‌های بچه‌ها با همدیگر فرق داشت و زاویه نگاه‌شان خیلی جالب بود. اما نکته مهمی که توجه‌م را جلب کرد این بود که جسارت خوبی در این بچه‌ها وجود دارد؛ جسارتی که پیش از این کمتر شاهد آن بودیم و حالا در نوشته‌های نسل جدید شاهد آن هستیم. هر چند برای مقایسه یک دوره با دوره دیگر باید الگوهای مقایسه‌ای مانند گروه سنی و جنسیت را در نظر گرفت ولی تعداد بسیاری از بچه‌هایی که انشا خواندند همان جسارت و نگاه اجتماعی را دارند که پیش از این کمتر شاهدش بوده‌ایم. بچه‌ها قبلاً درگیر «تو» بودند و معشوق پنهانی داشتند که آنچه در دل‌شان بود به معشوق خیالی نسبت می‌دادند و می‌نوشتند، اما در حال حاضر فضای ذهنی و قلمی بچه‌ها با فضای اجتماعی آمیخته شده است و می‌بینیم که به زبان خودشان و با وجود سن کمی که دارند از مباحث اجتماعی حرف می‌زنند. حالا در این میان نقش معلمان انشا مهم است. باید به معلمان انگیزه و آموزش داد و نحوه برخورد با بچه‌ها و کمک به بروز خلاقیت‌شان را به آنها یاد داد. در ۶ سالگی که کتاب نگارش به کتب درسی اضافه شده برای معلمان کاری نکرده‌ایم و این ضعفی است که باید جبران شود؛ ضعفی که در کاستی زیرساخت خود را نشان داده است. □



شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی (سهامی خاص)

تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۸-۱۸۳

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی

موضوع مناقصه: عبارتست از خرید ۷۲ دستگاه رایانه شخصی (PC) برابر یک برگ مشخصات فنی پیوست اسناد مناقصه.

متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند در قبال ارائه اعلامیه واریز مبلغ پانصد هزار ریال به حساب سیبا ۰۰۹۶۲۷۰۰۰۹۰۵۰۰ نزد بانک ملی شعبه برق ارومیه (کد ۵۱۳۳) به آدرس ارومیه - خیابان سربازان گمنام (برق سابق) - نرسیده به چهار راه مخابرات - شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی، واحد تدارکات تلفن: ۰۴۳۹۷۰۳۱۱ جهت دریافت اسناد مناقصه مراجعه نمایند. ضمناً اسناد مناقصه در سایت های اطلاع رسانی معاملات صنعت برق (شرکت توانیر)، شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی و سایت ملی اطلاع رسانی مناقصات به ترتیب به آدرس: WWW.tavanir.org و WWW.Waepd.ir و iets.mporg.ir قابل مشاهده و دریافت است.

علاقه مدندان به دریافت اسناد مناقصه از طریق سایتهای مذکور میتوانند با واریز مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به حساب فوق الذکر و ارسال قبض بانکی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ کل سپرده شرکت در مناقصه جمعاً مبلغ ۶۱۹/۰۰۰/۰۰۰ (ششصد و نوزده میلیون) ریال به شرح جدول ذیل می باشد.

| ردیف | شرح کلاس | تعداد (دستگاه) | سپرده شرکت در مناقصه به ریال |
|------|-----------------------------|----------------|------------------------------|
| ۱ | یارانه شخصی (PC) | ۶۸ | ۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ۲ | یارانه شخصی (all in one pc) | ۴ | ۵۹,۰۰۰,۰۰۰ |
| | جمع | ۷۲ | ۶۱۹,۰۰۰,۰۰۰ |

توضیح ۱: تعیین برنده مناقصه بصورت موردی بوده و میزان سپرده نیز موردی محاسبه گردیده است.

توضیح ۲: پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده شرکت در مناقصه، تضمین های معتبر (بر اساس شرایط مندرج در اسناد مناقصه) تهیه و تسلیم نماید و به پیشنهاد های فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهاتی که بعد از اقبضا، مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مهلت فروشی اسناد: از تاریخ درج نوبت دوم فراخوان در روزنامه تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۱۷

مهلت و محل تحویل پیشنهادات: حداکثر تا ساعت ۱۳ (یک بعد از ظهر) روز دوشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۲۸ به اداره دبیر خانه شرکت توزیع برق آذربایجان غربی

زمان و محل برگزاری مناقصه: زمان بازگشایی پاکت های الف و ب و ج راس ساعت ۱۳ (یک بعد از ظهر) روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۳۰ در محل شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی (مناقصه گزار).

توضیح ۳: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی

شماره آگهی: ۷۵۲۳۵۴